یادداشت

جغرافیای رنج و رقص

وحید معتمدنژاد

در قاموس زمین‌شناسی، «جنوب» همواره آغوش گشوده و بی‌واهمه زمین است؛ جایی که خورشید بی‌دریغ‌تر می‌تابد، آب‌ها رام‌ترند و آدم‌ها سبک‌بارتر. در بیشتر نقاط دنیا، جنوب همان جغرافیای رهایی است؛ امتدادی از ماسه، موج، صراحت لهجه و آرامش دلپذیر بعدازظهرها. جنوب جهان، شعر نانوشته‌ای از «سیاحت» است؛ جایی برای ازیادبردن مرزها، سیاست‌ها و مرارت‌های روزمره. اما در نقطه عطف خاورمیانه، در جنوب ایران، این مفاهیم در چرخ‌دنده‌های بی‌رحم تاریخ و جغرافیا مچاله شده‌اند. در اینجا، جنوب نه یک تفریح‌گاه، که یک «دژ استراتژیک» است؛ جایی که جغرافیا به‌جای آنکه پناهگاه انسان باشد، در بند سیاست است. برای درک این پارادوکس، کافی است به صدای پس‌زمینه این دو جنوب گوش بسپاریم. در جنوب اروپا یا شرق آسیا، صدای غالب، ملودی گیتار خیابانی، هیاهوی شادمانه توریست‌ها و سکوت مراقبه‌گون اقیانوس است. آنجا، خاک تشنه غریبه‌هاست تا به آنها آرامش بفروشد. در جنوب ایران اما، صداها جور دیگری طنین‌اندازند؛ صدای غرش هواپیماهای جنگی و شلیک موشک‌هاست. جنوب ما به‌جای آنکه قلمرو فراغت باشد، خط مقدم مواجهه با جهان است. گویی تقدیر این خاک چنین بوده که سنگر اول باشد، چه در برابر هجوم بیگانگان در طول تاریخ و چه در کارزار بی‌پایان اقتصاد نفتی و بازی‌های ژئوپلیتیک قدرت‌ها. زمین در جنوب ایران، زنده و تپنده است. جنوب ایران یک جادوی پنهان دارد که هرگز تسلیم نشده است؛ انسان جنوبی. مردم جنوب ایران با موسیقی «نی‌انبان» و «دمام»، با سفره‌های گشوده و خون‌گرمی شگفت‌انگیزشان همواره تلاش کرده‌اند سهم خود را از «سیاحت» و شادی پس بگیرند. آنها در میان دودکش‌های پتروشیمی و دکل‌های نفتی، هنوز هم برای غریبه‌ها آواز می‌خوانند و نان گرم تعارف می‌کنند. این مقاومت فرهنگی همان جرقه امیدی است که نشان می‌دهد روح حقیقی جنوب، فراتر از سیاست، زنده است و نفس می‌کشد. مرز باریک میان رنج و رقص در جنوب ایران، آیینه تمام‌نمای تاریخ ماست. جنوب فقط یک مختصات جغرافیایی یا یک هاب انرژی نیست؛ جنوب یک «وضعیت وجودی» است. با این حال، در همین اتمسفر خاص، نوعی «مقاومت زیبایی‌شناختی» جریان دارد. صبوری زن جنوبی با برقع‌های رنگینش در بازارهای میناب، و گام‌های استوار مردانی که با هر تکان لنج بر موج‌های پرتنش، «یا علی» می‌گویند، گواهی است بر این امر. آنها در کوره این هرم داغ، صبوری را به یک هنر بدل کرده‌اند؛ هنری که در آن نه تسلیم هست و نه گلایه، بلکه پیوندی است عمیق میان تن خسته و جانی منزه. آینده جنوب ایران، آینده کل این فلات است. مرز میان رنج و رقص در جنوب ما، مرز میان بقا و زندگی است. مردم جنوب سال‌هاست که راه «بقا» را آموخته‌اند و با ساز دمام خود، اندوه جنگ و فقر را شسته‌اند. اکنون نوبت مام میهن است که این تن رنجور اما پرامید را در آغوش بکشد؛ چراکه جنوب، پیش از آنکه سنگر باشد، خانه است، خانه‌ای بزرگ، گرم و بی‌مرز.

تسهیلات فرزندآوری؛ وعده‌ای که در صف انتظار جا ماند

فردین کمانگر
روزنامه‌نگار

پرداخت تسهیلات فرزندآوری در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت برای تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت مطرح شده است. سیاستی که قرار بود بخشی از دغدغه‌های اقتصادی خانواده‌ها را کاهش دهد و انگیزه‌ای برای فرزندآوری باشد. اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، فاصله‌ای قابل توجه میان وعده‌ها و واقعیت‌های اجرائی است. در روزهای ابتدایی سال ۱۴۰۴، ۲۵ فروردین‌ماه، برای دریافت تسهیلات فرزندآوری در یکی از شعب بانک‌های عامل سنندج ثبت‌نام کردم. اکنون با گذشت بیش از یک سال و سه ماه از آن تاریخ، همچنان خبری از پرداخت این تسهیلات نیست و پرونده در همان صف انتظار باقی مانده است. این وضعیت پرسش‌های جدی و قابل تأملی را پیش‌روی افکار عمومی قرار می‌دهد. نخست اینکه چرا دولت و بانک‌های عامل تعهداتی را می‌پذیرند که ظاهرا توان یا برنامه لازم برای اجرای به‌موقع آنها را ندارند؟ اگر منابع مالی کافی برای پرداخت این تسهیلات وجود ندارد، چرا وعده‌هایی داده می‌شود که فقط به افزایش نارضایتی مردم منجر خواهد شد؟ آیا هدف از اعلام چنین طرح‌هایی صرفا ارائه آمار و گزارش است یا قرار است در عمل نیز گرهی از مشکلات خانواده‌ها باز شود؟ پرسش دیگر این است که آیا سایر طرح‌های حمایتی در حوزه ازدواج و فرزندآوری نیز با همین شیوه اجرا می‌شوند؟ اگر خانواده‌ها برای دریافت یک تسهیلات قانونی باید ماه‌ها و حتی بیش از یک سال در انتظار بمانند، چگونه می‌توان از موفقیت سیاست‌های جمعیتی سخن گفت؟ بی‌تردید یکی از مهم‌ترین شروط موفقیت هر سیاست حمایتی، اجرای دقیق و به‌موقع آن است؛ موضوعی که در بسیاری از موارد مورد غفلت قرار گرفته است. واقعیت این است که شرایط اقتصادی امروز، بسیاری از جوانان را نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده مردد کرده است. افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، مسکن، درمان و آموزش، فشار سنگینی بر دوش خانواده‌ها گذاشته است. از سوی دیگر، خانواده‌هایی که با وجود همه مشکلات اقتصادی تصمیم به فرزندآوری گرفته‌اند، با هزینه‌های روزافزون نگهداری و تربیت فرزند مواجه هستند. قیمت دارو، شیر خشک، پوشک و سایر اقلام ضروری کودک به اندازه‌ای افزایش یافته که تأمین آنها برای بسیاری از خانواده‌ها به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تسهیلات فرزندآوری می‌تواند بخشی از این فشارها را کاهش دهد، اما زمانی که این وام پس از گذشت یک سال و چند ماه همچنان پرداخت نشده باشد، عملا کارکرد حمایتی خود را از دست می‌دهد. وامی که باید در ماه‌های نخست تولد کودک به کمک خانواده بیاید، پس از گذشت این مدت دیگر نمی‌تواند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در مدیریت هزینه‌ها داشته باشد. از سوی دیگر، تداوم این روند به کاهش اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌های حمایتی دولت منجر می‌شود. خانواده‌ها زمانی به برنامه‌های تشویقی اعتماد خواهند کرد که آثار آن را در زندگی روزمره خود مشاهده کنند. وعده‌های بدون پشتوانه و تأخیرهای طولانی‌مدت نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه انگیزه مردم برای مشارکت در برنامه‌های ملی را نیز کاهش می‌دهد. امروز ضروری است دستگاه‌های مسئول، بانک‌های عامل و نهادهای نظارتی نسبت به این وضعیت پاسخ‌گو باشند. همچنین باید با کم‌کاری‌ها، تعلل‌ها و ضعف‌های مدیریتی که موجب تأخیر در پرداخت تسهیلات شده‌اند، برخورد جدی شود. نمی‌توان از یک سو بر ضرورت جوانی جمعیت و افزایش نرخ فرزندآوری تأکید کرد و از سوی دیگر خانواده‌ها را ماه‌ها و سال‌ها در انتظار دریافت حداقل حمایت‌های وعده داده‌شده نگه داشت. جوانان این سرزمین با هزاران امید و آرزو، زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند و بسیاری از آنان با احساس مسئولیت نسبت به آینده کشور، تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند. شایسته نیست نتیجه این اعتماد و همراهی، سرگردانی در صف‌های طولانی و انتظار برای دریافت تسهیلاتی باشد که قانون پرداخت آن را الزامی کرده است. اگر قرار است سیاست‌های جمعیتی به نتیجه برسند، نخستین گام، عمل به وعده‌ها و احترام به حقوق خانواده‌هاست.

«شرق» از محاصره دریایی و حمله آمریکا به شریان‌های مهم تجاری کشور در هرمزگان گزارش می‌دهد

حمله به نبض تجارت

کیمیا نعمت‌اله: محاصره دریایی ایران از سوی آمریکا در شرایطی دوباره از سر گرفته شده که این بار مسیرهای زمینی تجارت کشور از سوی آمریکا هدف حمله قرار گرفته است. استانداری هرمزگان از بمباران پنج پل و بخشی از خط آهن این استان خبر داده است. پنج پل و خط آهنی که یکی از شریان‌های اصلی تجارت کشور است. پیش از این آمریکا به راه‌آهن آق‌تکه‌خان در شمال ایران حمله کرده بود که مسیر جایگزین تجارت کشور پس از محاصره دریایی به شمار می‌آمد.

بمباران شریان‌های تجارت جنوب کشور

شب پنجشنبه ارتش آمریکا اعلام کرد ششمین دور از حملات خود به ایران را در تیر ۱۴۰۵ از گرفته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا پیش از این گفته بود چنانکه ایران سر میز مذاکرات نیاید، پل‌ها و نیروگاه‌های این کشور را بمباران می‌کند. حمله به پل‌های ایران با بمباران پل‌ها و راه‌های مواصلاتی هرمزگان از سر گرفته شد. استانداری هرمزگان گزارش داد پنج پل ارتباطی این استان به همراه یک انشعاب راه‌آهن بندرعباس مورد حمله قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، پل گریوه؛ مسیر بندرعباس، خمیر، لار، پل بعد از روستای لاتیدان (کلمتلی)؛ مسیر برگشت بندرعباس، خمیر، لار و دو پل مسیر کهورستان، لار، همچنین پل نیمه‌کاره؛ محور بندر خمیر، کشار، بندرعباس و پل روستای مارو شهرستان خمیر مورد حمله قرار گرفت. صبح روز بعد تخریب این پل‌ها، صفی از تانکرها و کامیون در این محورها ایجاد و راهداری در اطلاعیه‌ای اعلام کرد تا زمان بازشدن این مسیرها و عادی‌شدن تردد، رانندگان از مسیرهای جایگزین استفاده کنند. همچنین در این حملات، ایستگاه انشعاب راه‌آهن بندرعباس مورد حمله قرار گرفت و برنامه حرکت قطارهای این مسیر را تغییر داد. این انشعاب در ۱۰کیلومتری غرب بندرعباس واقع شده و محل انشعاب ریل به خط مسافری و باری، اسکله شهید رجایی و راه‌آهن بندرعباس است. حمله آمریکا به پل‌ها و محورهای مواصلاتی هرمزگان اما حمله‌ای نمادین یا هدف‌های اتفاقی تلقی نمی‌شود. این پنج پل بخش مهمی از مسیر ترانزیتی بندرعباس-لار-شیراز هستند که اصلی‌ترین کریدور زمینی اتصال بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران یعنی بندر شهید رجایی به شبکه حمل‌ونقل داخلی و استان‌های مرکزی کشور محسوب می‌شود. این مسیر نه‌تنها برای جابه‌جایی مسافر، بلکه برای حمل کالاهای اساسی، سوخت، مواد اولیه و تجهیزات نظامی به عمق کشور حیاتی است. هرمزگان، قلب تپنده تجارت ایران است. در سال‌های جنگ ایران و عراق و درست زمانی که بنادر خوزستان توسط عراق ناامن شده بودند، بنادر هرمزگان جایگزین امن تجارت ایران شدند و پس از آن این استان به شریان اصلی تجارت دریایی ایران تبدیل شد. بندر شهید رجایی هرمزگان با ظرفیت تخلیه و بارگیری بالغ بر ۸۸ میلیون تن کالا در سال، سهم عمده‌ای از تجارت خارجی ایران را در اختیار دارد. بیشتر از ۵۵ درصد صادرات و واردات و بیشتر از ۷۰ درصد از ترانزیت دریایی ایران وابسته به بندر شهید رجایی است. حدود ۸۵ درصد از عملیات کانتینری بنادر کشور از طریق این بندر انجام می‌شود و در سال ۲۰۲۴، حجم جابه‌جایی کانتینرها در این بندر به حدود سه میلیون TEU رسید. در این بندر بزرگ، سالانه میلیاردها دلار کالا از بیش از ۸۰ کشور دنیا وارد کشور می‌شود. طبق آمارهای رسمی، سالانه بیش از هشت میلیون‌و ۲۸۰ هزار تن کالا از طریق این گمرک هرمزگان وارد کشور شد که معادل بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالاست. این حجم واردات به‌تنهایی بخشی قابل توجه از نیازهای بازار داخلی را تأمین می‌کند و در اقتصاد کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. گذشته از این، هرمزگان بخش اصلی کریدور ترانزیتی شمال به جنوب ایران است که در صورت رونق می‌توانست یکی از شریان‌های حیاتی تجارت کالا در منطقه باشد، اما حالا پس از آنکه آمریکا محاصره دریایی بر ایران اعمال کرده و تلاش داشته تجارت نفت و کالاهای اساسی کشور را زیر فشار بگذارد، برای تکمیل این محاصره اقدام به بمباران و تخریب شریان‌های زمینی تجارت کالا در هرمزگان کرده است. تخریب پنج پل اصلی مسیر ترانزیتی که بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران را به شبکه حمل‌ونقل داخلی و مرکز ایران متصل می‌کند، در شرایطی رخ داده که با محاصره دریایی کشور، دولت تلاش کرده است مسیرهای جایگزین برای تجارت کالاهای اساسی ایران باز کند. یکی از این مسیرهای جایگزین، بندر چابهار و بنادر پاکستان و همچنین مرز زمینی دو کشور بوده است. همچنین تلاش شده است بنادر شمالی کشور جایگزین بنادر جنوبی شوند اما کارشناسان حمل‌ونقل اعتقاد دارند جایگزینی بنادر شمالی با بنادر جنوب ایران فقط یک راهکار موقت و در شرایط جنگی است و بنادر شمالی حداکثر می‌تواند حدود ۴۰ درصد تجارت کشور را جایگزین کند. همچنین در حالی که ظرفیت عملیات تخلیه، بارگیری و انبارش بنادر جنوب کشور بین ۲۴۰ تا ۳۰۰ میلیون تن تخمین زده می‌شود و عملیات تخلیه و بارگیری بنادر جنوب ایران به حدود ۱۳۰ میلیون تن در سال می‌رسد، ظرفیت بنادر شمالی فقط حدود ۳۰ میلیون تن است که حدود یک‌دهم ظرفیت بنادر جنوب به شمار می‌آید. گذشته از این، به دلیل مسائل عدیده‌ای که در بهره‌برداری از بنادر شمالی کشور وجود دارد، امکان استفاده از تمام ظرفیت ۳۰ میلیون تنی بنادر شمال کشور وجود نداشته و مجموع ظرفیت مورد استفاده این بنادر در سال‌های گذشته بین پنج تا شش میلیون تن بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های جایگزینی بنادر جنوب با بنادر شمال کشور، محدودیت دسترسی دریای مازندران به آب‌های آزاد است. هرچند دریای مازندران از طریق کانال‌های مصنوعی ولگا-دن و ولگا-بالت به آب‌های آزاد متصل می‌شود، اما فقط کشتی‌های تحت پرچم روسیه امکان عبور از این مسیرها را دارند. گذشته از این، آبخور این کانال‌های مصنوعی ظرفیت عبور کشتی‌های بزرگ تجاری را ندارد و فقط کشتی‌های کوچک رودخانه‌ای با ظرفیت حدود چهار هزار تن و آبخور ۳.۵ متر می‌توانند از این مسیر استفاده کنند. گذشته از عمق و ابعاد کم این کانال‌ها، آبخور اسکله‌های بنادر شمال ایران هم در وضعیت مشابه هستند و مناسب کشتی‌های کوچک ساخته شده‌اند. ابعاد کشتی‌های تجاری ایران در بنادر جنوب حدود ۳۶ برابر ابعاد بزرگ‌ترین کشتی‌های تجاری بنادر شمال ایران است. بنابراین حجم کوچک ناوگان باری در بنادر شمال، تجارت را پرهزینه‌تر و دشوارتر می‌کند.

حمله به مسیرهای جایگزین شمالی

با این شرایط آمریکا تلاش می‌کند که حتی مسیرهای جایگزین را مورد حمله قرار دهد. پیش از این آمریکا در حالی که شهرهای جنوبی کشور را زیر آتش حمله قرار داده بود، به پل ریلی آق‌تکه‌خان در شمال ایران حمله کرد، موضوعی که توجه رسانه‌ها و تحلیلگران را به خود جلب کرد. از نظر بسیاری از تحلیلگران، حمله به این مسیر ریلی حاوی یک پیام برای صنعت حمل‌ونقل و ترانزیت ایران بود و آن اینکه آمریکا مسیرهای جایگزین بنادر جنوب ایران را هدف‌گذاری کرده است. حمله به این خط آهن در شرایطی رخ داد که این پل روی مسیر کریدور بین‌المللی چین-قزاقستان-ترکمنستان-اینچه‌برون قرار دارد که از مرز شمال شرقی وارد ایران شده و از گرگان به تهران متصل می‌شود. این مسیر، بخشی از ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) است و از شهر شیآن چین تا تهران امتداد دارد. در سال گذشته حداقل ۶۵ قطار از مبدأ چین به ایران آمده بود و بعد از آغاز محاصره آمریکا علیه بنادر ایران، گزارش‌ها حاکی از آن بود که تعداد قطارهای عبوری از این مسیر سه برابر شده است. نکته کلیدی این بود که روسیه از آبان ۱۴۰۴، ارسال کالاهای خود به ایران را از همین مسیر ریلی آغاز کرده بود. به همین دلیل، کارشناسان این حمله را اقدامی فراتر از یک ضربه نظامی معمولی تلقی کرده و نوشتند این حمله پیامی برای ایران بود که مسیرهای جایگزین ترانزیت و تجارت ایران می‌تواند هدف حمله باشد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

از ارسال ۶۷۸ گرم طلا در یک سفارش تا خریدی ۱۴ میلیاردی

ملی‌گلد در سال گذشته ۲۰,۱۴۵ تحویل موفق فیزیکی در سراسر کشور ثبت کرد

پلتفرم خرید و فروش طلای آب‌شده آنلاین «ملی‌گلد» با هدف ایجاد شفافیت بیشتر در حوزه طلای آنلاین، گزارش سال ۱۴۰۴ خود را منتشر کرد؛ گزارشی که علاوه بر مرور عملکرد این پلتفرم، تصویری از روند بازار طلای آنلاین و رفتار سرمایه‌گذاران در سال ۱۴۰۴ ارائه می‌دهد. سالی که با نوسانات شدید قیمت طلا، جنگ، محدودیت‌های اینترنت، تغییرات مداوم فضای اقتصادی و افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن همراه بود. این مجموعه همچنین بخشی از گزارش خود را به نحوه مدیریت خدمات در دوره‌های بحرانی اختصاص داده و اشاره کرده است حتی در روزهایی که بازار با محدودیت‌های عملیاتی مواجه بود، توانسته تداوم سرویس‌دهی را حفظ کند و سرویس‌های جدیدی مانند وام آنی و تحویل درب منزل را ارائه کند تا کاربران دغدغه کمتری داشته باشند.

۱۴۰۴؛ سالی که بازار طلا پناهگاه سرمایه تبدیل شد

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش سال ملی‌گلد، روایت تغییر رفتار کاربران در مواجهه با رویدادهای سیاسی و اقتصادی است. داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد حجم معاملات کاربران در طول سال ارتباط مستقیمی با رخدادهایی مانند مذاکرات، جنگ ۱۲روزه، فعال‌شدن اسنپ‌بک، جنگ اسفندماه و سایر تحولات اجتماعی داشته است.

جامعه کاربران از ۱۷.۵ میلیون نفر عبور کرد

ملی‌گلد در گزارش سال خود اعلام کرده تعداد کاربران این پلتفرم در پایان سال ۱۴۰۴ به بیش از ۱۷ میلیون رسیده و رشدی ۲۹۸۷درصدی کاربران خود را نسبت به ابتدای فعالیت ثبت کرده است.

از خرید ۱۴میلیاردی تا ۸۲۵ مرتبه خرید

گزارش سال ۱۴۰۴ فقط به شاخص‌های کلان محدود نشده و بخشی از آن به مرور رکوردهای ثبت‌شده توسط کاربران اختصاص دارد. بر اساس این گزارش، بزرگ‌ترین خرید ثبت‌شده در سال گذشته مربوط به معامله ۷۴۵ گرم طلا با ارزشی نزدیک به ۱۴ میلیارد تومان و بزرگ‌ترین فروش ثبت‌شده نیز ۵۳۷ گرم طلا با ارزشی نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان بوده است.

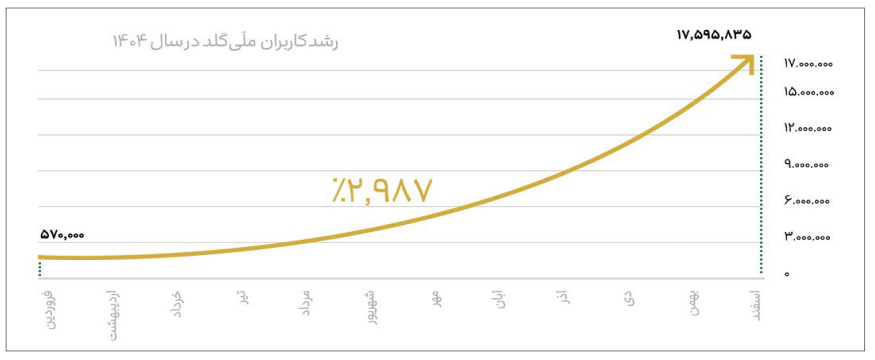

چند گام فراتر از خرید و فروش طلا

یکی از محورهای اصلی گزارش، توسعه سبد خدمات ملی‌گلد در سال گذشته است. این مجموعه اعلام کرده در کنار توسعه زیرساخت‌ها، تلاش کرده خدمات خود را متناسب با نیازهای جدید کاربران گسترش دهد و نقش طلا را از یک دارایی صرفا سرمایه‌ای، به ابزاری برای دریافت خدمات مالی نیز توسعه دهد. در همین راستا، چهار سرویس جدید «طرح زرگر»، «وام آنی»، «تحویل طلا درب منزل» و «خرید اقساطی» در سال ۱۴۰۴ به کاربران معرفی شده‌اند.

۲۰۱۴۵ تحویل موفق فیزیکی در یک سال

در کنار سرویس ارسال درب منزل، ملی‌گلد شبکه تحویل حضوری خود را نیز توسعه داده است. بر اساس گزارش منتشرشده، تعداد شعب تحویل فیزیکی این شرکت در سال ۱۴۰۴ به ۲۳ شعبه در ۱۷ شهر رسیده است. ملی‌گلد در سال گذشته ۲۰۱۴۵ تحویل موفق فیزیکی انجام داده و شمش‌های پنج‌گرمی محبوب‌ترین گزینه کاربران برای دریافت فیزیکی طلا بوده‌اند.

حفظ پایداری خدمات در روزهای بحران

این پلتفرم اشاره کرده است در بازه‌های بحرانی کشور، تداوم ارائه خدمات و رفع دغدغه کاربران برای دسترسی به طلای فیزیکی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های مجموعه بوده است. افزایش تعداد کاربران و رشد حجم معاملات، عملکرد واحد پشتیبانی را نیز به یکی از محورهای مهم گزارش سال ۱۴۰۴ ملی‌گلد تبدیل کرده است. تیم پشتیبانی ملی‌گلد در سال گذشته بیش از ۸۰۰ هزار تماس و گفت‌وگوی کاربران را پاسخ داده و میانگین زمان انتظار تماس را به ۱۰ ثانیه رسانده است. از دیگر آمارهای منتشرشده در این بخش می‌توان به ۱۱۱ تماس یک کاربر با واحد پشتیبانی و همچنین طولانی‌ترین تماس ثبت‌شده به مدت یک ساعت‌و ۲۰ دقیقه اشاره کرد؛ داده‌هایی که بیانگر پیچیدگی بخشی از درخواست‌های کاربران در سال گذشته است.

ری‌برندینگ هم‌زمان با توسعه کسب‌وکار

سال ۱۴۰۴ برای ملی‌گلد فقط سال توسعه خدمات نبود. این شرکت در گزارش خود به اجرای پروژه ری‌برندینگ نیز اشاره کرده و توضیح داده است بازطراحی هویت بصری، بخشی از مسیر تحول برند هم‌زمان با رشد سریع کسب‌وکار و توسعه جامعه کاربران بوده است.

هدف از این بازطراحی فقط تغییر عناصر بصری نبوده است، بلکه تلاش شده هویت برند با جایگاه جدید ملی‌گلد در بازار و مسیر آینده آن همسو شود؛ مسیری که بر توسعه خدمات مالی مبتنی بر طلا و ارتقای تجربه کاربران استوار است. بر اساس آنچه در سخن پایانی گزارش آمده، ملی‌گلد قصد دارد در سال‌های آینده علاوه بر توسعه خدمات موجود، در مسیر ارتقای استانداردهای بازار طلای آنلاین نیز حرکت کند؛ مسیری که بر سه محور «اعتماد»، «امنیت» و «تجربه کاربری» استوار است و هدف نهایی آن، تبدیل‌شدن به یک اکوسیستم مالی با محوریت طلاست.

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای
شماره مناقصه عمومی : ۰۵/ م خ /۱۴۰۵
شماره تقاضا: ۰۵۰۰۱۲۷ –۴۸ شرح تقاضا: الکترو پمپ پساب BB3

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون (سهامی خاص)

شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون در نظر دارد کالای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای تهیه نماید. لذا با توجه به الزام درج مناقصات در سامانه ستاد ایران، مناقصه گران میبایست اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده از سامانه ستادایران (www.setadiran.ir) دریافت نموده و تا قبل از پایان مهلت ارسال پاسخ، اسناد ارزیابی کیفی را طبق مدارک اعلام شده در اسناد مناقصه بارگذاری نمایند.
**در راستای حمایت از تولید داخل کالای مورد نظر میبایست از سازندگان داخلی تامین گردد.
**مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی(طبق فرم ارزیابی کیفی اسناد مناقصه):۱- آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده (۵ سال آخر)به همراه اظهارنامه وفیش های پرداخت مالیات قطعی ۲-قرارداد های مرتبط با موضوع مناقصه به همراه حسن انجام کار۳-لیست پرسنل وتصویر مدارک تحصیلی پرسنل کلیدی به همراه لیست بیمه۴-مدارک ایزو۱۴۰۰۱،۹۰۰۱ و ۱۸۰۰۱یا۴۵۰۰۱ معتبر
۱- مبلغ برآورد مناقصه: ۲٫۵۳۵٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال
۲- نوع و مبلغ تضمین: ضمانتنامه معتبر بانکی شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) به مبلغ ۷۶٫۰۸۰٫۰۰۰٫۰۰ ریال
۳- ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی دارای اعتبار سه ماه یا واریز وجه به حساب شرکت نفت و گاز مارون الزامی است.
۴- آخرین مهلت تقاضای شرکت در مناقصه و بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی طبق زمان بندی در سامانه ستادایران۱۴ روز پس از درج آگهی نوبت دوم می باشد.
۵- مناقصه گرانی که اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده در سامانه ی ستادایران (مهلت دریافت اسناد) دانلود ننمایند، قادر به بارگذاری (اسناد ارزیابی کیفی) نخواهند بود.
آدرس جهت ارسال ضمانتنامه: اهواز- منطقه برومی- کیلومتر ۱۲ جاده اهواز/ سربندر- نرسیده به پلیس راه - شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون – ساختمان دو طبقه (ستادی) –طبقه ی همکف-کمیسیون مناقصات - تلفن : ۰۶۱۳۴۱۸۸۳۳۴
۶- پس از بررسی و ارزیابی کیفی مدارک و مستندات مناقصه گران و اختصاص امتیاز کیفی به آنها و تأیید کمیسیون مناقصات ، به مناقصه گران تایید شده جهت ارسال پاکات (الف،ب،ج) اطلاع رسانی خواهد شد .
۷- آخرین مهلت ارسال پاکات ضمانت نامه(الف) و بارگذاری پاکات فنی(ب) و مالی(ج) متعاقبا پس از تعیین لیست کوتاه اعلام خواهد شد.
۸- تاریخ و محل گشایش پاکات مالی: متعاقباً اعلام خواهد شد.
۹- حداکثر زمان تحویل کالا : ۱۲ ماه پس عقد قرارداد.
۱۰- ارائه ضمانت حسن انجام تعهدات به میزان ۱۰٪مبلغ مورد معامله توسط برنده مناقصه قبل از سررسید ضمانتنامه فرآیند ارجاع کار ضروری می باشد.
۱۱- دستورالعمل تعیین دامنه قیمت های متناسب پیشنهادی در مناقصات یک مرحله ای و دو مرحله ای صنعت نفت ملاک تعیین برنده خواهد بود.
مناقصه گران می توانند در صورت هرگونه ابهام باشماره تلفن ۰۶۱۳۴۱۸۸۳۹۸ تماس حاص فرمایند.

تعداد	واحد	شرح کالا	قلم
04	NO	CENTRIFUGAL ELECTROPUMP AND SPARE PARTS ACCORDING WITH API 610(12TH EDITION) &IPS-G-PM-105, MULTI STAGE BB3 TYPE; H:679 M, Q:110 M3/HR, ELECTROMOTOR: 3300V, 50HZ, 3PH طبق اسناد مناقصه	01

تمامی اطلاعات بعدی و آگاهی سازی مناقصه در سامانه ستاد بارگزاری خواهد شد.
برای دریافت اطلاعات تکمیلی به سایت های ذیل مراجعه شود.
آدرس سایت ستادایران : http://setediran.ir
شناسه : ۲۲۲۷۰۱۹
http://mogpc.nisoc.ir
روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون
۲۶۲۲

فراخوان عمومی
مناقصه اجرای فیزیکی تبلیغات محیطی لیگ برتر، لیگ یک، جام حذفی و سوپر جام باشگاهای فوتبال ایران(فصل فوتبالی ۱۴۰۶-۱۴۰۵)
سازمان لیگ فوتبال ایران
سازمان لیگ فوتبال ایران در نظر دارد اجرای فیزیکی تبلیغات محیطی مسابقات لیگ برتر و لیگ یک، جام حذفی و سوپر جام باشگاه های فوتبال کشور را از طریق برگزاری مناقصه عمومی واگذار نماید.
شرح در سایت رسمی سازمان لیگ فوتبال ایران :
www.iranleague.ir

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹